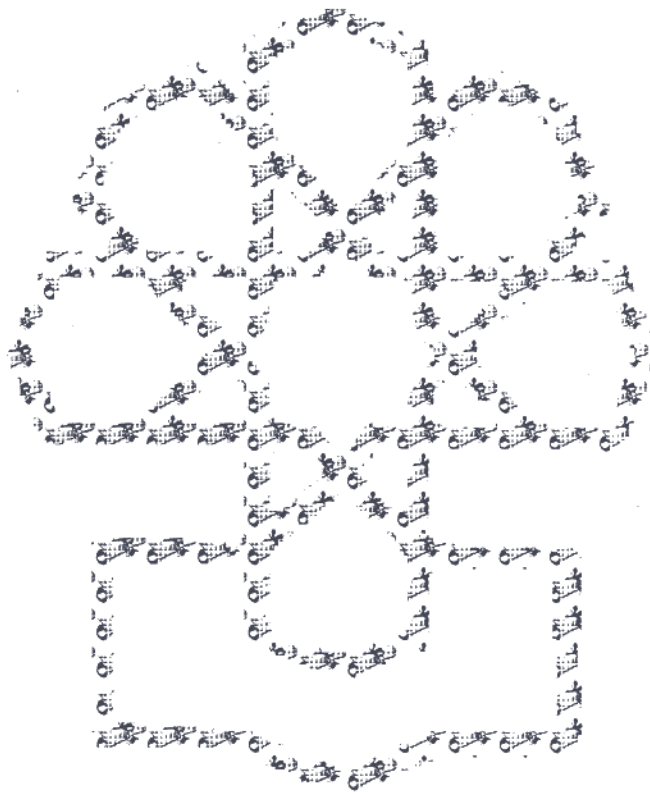




مجلس چهارم و سیاست خارجی



معاونت پژوهشی
شهریور ۱۳۷۵

کار: گروه سیاسی - اجتماعی
این گزارش بنا به تقاضای جناب آقای سیدرضا اکرمی تهیه گردیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی
شماره: ۷۷۴۵
تاریخ: ۱۸، ۱۱، ۷۶

کد گزارش: ۱۴۰۱۵۹۲

فهرست مطالب

۲	نکات برجسته
۳	پیشگفتار
۴	مسئله جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس
۵	مسئله حقوق بشر
۶	حکم قتل سلمان رشدی
۷	رابطه با امریکا و حضور نظامی این کشور در منطقه
۸	مسئله فلسطین
۹	مسئله بوسنی و هرزگوین
۱۱	حوادث منطقه قره باغ
۱۲	فعالیت کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی
۱۳	دیدارهای خارجی مجلس شورای اسلامی

* به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب عهدنامه‌های بین‌المللی، تغییر در خطوط مرزی، اظهار نظر در تمام مسائل خارجی کشور از جمله حقوق مجلس شورای اسلامی است.

* مسئله جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس یکی از مسائل مهم سیاست خارجی و مرتبط با امنیت ملی کشور می‌باشد که از آغاز طرح ادعای مالکیت امارات متحد عربی بر این جزایر، با واکنش منفی مسئولان نظام مواجه شد. رئیس مجلس شورای اسلامی موضع ایران را این گونه بیان می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران با تمام احترامی که برای تمامیت ارضی کشورهای همسایه قائل است، مسلماً در دفاع از تمامیت ارضی خودش کمترین تردیدی به خود راه نخواهد داد و این جزایر قبل از آن که کشورهای خلیج فارس هستی خودشان را از استعمار انگلیس به دست بیاورند و موجودیت پیدا کنند در مالکیت ایران بود».

* از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران همواره مورد اتهام امریکا و متحدین و همچنین مجامع بین‌المللی در زمینه نقض حقوق بشر قرار گرفته است این در حالی است که در قبال مسائلی مانند کشتار بی‌دفاع مردم بوسنی سکوت اختیار کرده‌اند.

* بنا به اظهار رئیس مجلس شورای اسلامی حضور نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس تهدیدی علیه صلح و آرامش منطقه است.

* مسئله فلسطین یکی از موضوعات مهم در سیاست خارجی ایران است که از بدو انقلاب اسلامی، کشورمان همواره و با تمام توان از جهاد اسلامی ملت فلسطین علیه اشغالگران قدس حمایت همه جانبه به عمل آورده است.

* یکی از رخدادهای مهم جهان اسلام در سال‌های اخیر، حمله وحشیانه صرب‌ها علیه مسلمانان مظلوم بوسنی و هرزگوین است که با حمایت کامل سیاسی و مادی جمهوری اسلامی ایران از مردم بی‌دفاع این کشور، همراه بود. رئیس مجلس شورای اسلامی در این رابطه می‌گوید: «برای اروپا که خودش را این همه متمدن و طرفدار حقوق بشر می‌داند، این ننگ نیست که در اروپا، یک ملتی فقط به جرم مسلمان بودن این گونه قتل عام شود و اروپا از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرد».

نخستین نظریه پردازان حقوق اساسی و همین طور تهیه کنندگان متون قوانین اساسی چندان موافق مشارکت مردم و نقش اراده عموم در امور بین المللی نبودند، بدین جهت علی رغم گسترش نهضت دستورگرایی و تعمیم قوانین اساسی مدون، سیاست خارجی هر کشوری در انحصار قوه مجریه قرار داشت، چنان که در قانون اساسی مشروطه (تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی مبنای کار دولت و حکومت بود) قید شده بود که قراردادهای بین المللی، در صورتی که صلاح دولت و ملت باشد، محرمانه تلقی شده و برای تصویب به مجلس ارسال نخواهد شد.

اما امروزه این وضع، قانوناً و عملاً تحول یافته است به گونه ای که حتی در برخی از کشورها، قوه مجریه قبل از اعزام سفرا به کشورهای خارج، بایستی مورد راه اطلاع مجلس هم برساند.

به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب عهدنامه های بین المللی، تغییر در خطوط مرزی، گرفتن یا دادن وام یا کمک های خارجی، دادن امتیاز تأسیس شرکت به اتباع یا دول خارجی، استخدام کارشناسان خارجی و اظهار نظر در تمام مسائل خارجی کشور از حقوق مجلس شورای اسلامی شناخته شده است.

اساساً امروزه توجه مردم به سرنوشت خود در کلیه ابعاد و به ویژه مسائل مربوط به دستیابی به روابط سالم خارجی، ذهن شهروندان کشورها را آن چنان به خود مشغول داشته است که، دیگر نمی توان انتظار داشت که مردم - یا نمایندگان آنان در پارلمان - فارغ البال از مسائل سیاست خارجی کشور خود، فقط به گرفتاری های داخلی بیندیشند.

در غالب پارلمان های جهان کمیته (یا کمیسیون) روابط یا سیاست خارجی مسئول تعقیب اقدامات حکومت در زمینه برخورد دولت با مسائل بین المللی و سیاست خارجی کشور است.

در گزارشی که پیش رو دارید،^۱ عمده ترین مسائلی که در زمینه سیاست خارجی ذهن کارگزاران مجلس شورای اسلامی را به خود معطوف کرده است در قالب زمانی سال های ۱۳۷۳-۱۳۷۱ (دوره چهارم مجلس شورای اسلامی) آورده شده است؛ یادآور می شود علت آن که، مسائل مربوط به سال ۱۳۷۴ (سال آخر دوره چهارم) در این گزارش نیامده، آن است که برخی اطلاعات مربوط به این سال هنوز منتشر نشده است.

خاطر نشان می سازد، نقل نظرات ریاست و نایب ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، در این گزارش، بدان معنا نیست که این نظرات ضرورتاً مبین موضعگیری خود مجلس شورای اسلامی است، چه آن که سخنگوی بی قید و شرط مجلس همان مصوبات مجلس است، ولی از آنجا که در هر کشوری مقامات عالی رتبه پارلمان، نظرانی که می دهند مورد توجه خاصی در مجامع داخلی و خارجی قرار می گیرد، در این گزارش هم به نقل آنها پرداخته شده است.

۱۰۱ این گزارش با استفاده از کارنامه سال های اول، دوم و سوم از دوره چهارم مجلس شورای اسلامی تهیه و تنظیم شده است.

مسئله جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس به عنوان یک موضوع مهم و همراه با سر و صدای فراوان، ابتدا در نیمه سال ۷۱ به وسیله کشور امارات متحد عربی مطرح شد، این مسئله خیلی زود بر روابط ایران با دیگر کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس هم تأثیر گذاشت و به موضعگیری آنها نسبت به این موضوع انجامید.

ریاست مجلس شورای اسلامی در نطق قبل از دستور خود در تاریخ بیست و نهم شهریور ۷۱ در این رابطه اظهار داشت: «مسئله طرح جزایر سه گانه ایرانی در شورای عالی امنیت ملی مطرح شد ولی از نظر اعضای این شورا هیچ چیز تازه‌ای در منطقه رخ نداده است که موجب طرح این مسئله شده است، تنها اقدامی که جمهوری اسلامی ایران در این جزایر انجام داده است، اقدامات امنیتی بوده است، آن هم به دلیل مسلح بودن برخی عناصر بیگانه و حتی غیر عرب در این جزیره بوده است».

ریاست مجلس همچنین سردمدار اصلی این قضایا را امریکا معرفی نمود و تصریح کرد: «چه بسا امریکا با ضعیف شدن عراق دنبال این است که یک بهانه، دیگری برای ابقای خودش در خلیج فارس پیدا کند؛ در هر حال طرح این مسائل بدترین ضربه را به امنیت منطقه می‌زند؛ جمهوری اسلامی با تمام احترامی که برای تمامیت ارضی کشورهای همسایه قائل است، مسلماً در دفاع از تمامیت ارضی خودش کمترین تردیدی به خود راه نمی‌دهد؛ با وجود این بر مبنای حسن نیت و از طریق مذاکره می‌توان این گونه مسائل را خیلی دوستانه حل کرد؛ کشورهای منطقه هم باید هوشیار باشند که دستگاه بیگانه و طمع آنها به ذخایر این منطقه، موجب برهم زدن آرامش منطقه نشود».

با موضعگیری سران کشورهای عرب خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران در این موضوع، ریاست مجلس در تاریخ ششم دی ماه ۷۱ این نحوه موضعگیری را دلیل عقب افتادگی سیاسی آنها اعلام کرده و اظهار داشت: «این جزایر قبل از آن که این کشورها هستی خودشان را از استعمار انگلیس به دست بیاورند و موجودیت پیدا کنند، ایرانی بود». وی در جایی دیگر، صدور چنین بیانه‌هایی را نه به نفع آنها، و نه به نفع اتحاد اسلامی، بلکه به نفع قدرت‌های خارجی ارزیابی کرد.

در همین تاریخ (ششم دی ماه ۷۱) بیش از یکصد و نود نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با انتشار نامه‌ای، بیانیه سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را محکوم کرده و خواستار تعمق بیشتر آنان در مسائل بین‌المللی و تشکیل یک جبهه متحد اسلامی در مقابل دشمنان اسلام شدند.

نود و یکمین اجلاس اتحادیه بین‌المجالس - که از ۲۹ اسفند ۷۲ تا ۶ فروردین ۷۳ در پایتخت فرانسه برگزار شد - رئیس هیئت اماراتی در خلال سخنرانی خود در مورد «مروری بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان» به جزایر سه گانه ایرانی اشاره کرده و آنها را جزایر عربی خواند و از ایران درخواست قبول مذاکره برای حل اختلاف بین دو کشور را کرد. هیئت ایرانی (از مجلس شورای اسلامی) هم، با استفاده از حق پاسخ خود اعلام داشت: این سه جزیره به موجب کلیه اسناد معتبر از نظر جهانی متعلق به ایران هستند و ما از دولت امارات می‌خواهیم که با طرح این مسائل موجب تشنج در منطقه نشود و بدون هیچ گونه پیش شرطی در مذاکراتی که بین دو کشور از دو سال پیش شروع شده است، برای رفع ابهام شرکت کند.

در ادامه این روند، ریاست مجلس در نطق قبل از دستور خود در یازدهم خرداد ۷۳، به تحریک امارات متحده عربی در طرح مسئله جزایر سه گانه ایرانی از سوی عربستان سعودی اشاره کرد و سخنان رئیس

حکومت حجاز را دلیلی بر این تحریک می‌داند؛ وی علت این اقدام سعودی‌ها را تعصب عربی آنها می‌داند. ریاست مجلس در رابطه با بیانیه پایانی کشورهای ۲+۶ که در کویت برگزار شد، با اشاره به این نکته که این کشورها هر وقت دور هم جمع می‌شوند حرف‌های بی‌پایه و غیر منطقی خودشان را نسبت به جزایر سه گانه ایرانی تکرار می‌کنند، تأکید کرد: «هر کس کمترین آشنایی تاریخی، سیاسی و حقوقی داشته باشد برایش آشکار خواهد بود که این جزایر در طول تاریخ همواره در مالکیت ایران بوده است».

در نود و دومین اجلاس اتحادیه بین‌المجالس - که از ۲۱ لغایت ۲۶ شهریور ۷۳ در پایتخت دانمارک برگزار شد - نماینده امارات مجدداً در ضمن سخنان خود به طرح نظرات دولت متبوعش پرداخت که نماینده جمهوری اسلامی ایران در پاسخ چنین گفت: جزایر مورد ادعای کشور امارات از قرن‌ها قبل از تشکیل این کشور متعلق به ایران بوده است. در هر حال، ایران همواره آماده است در این موضوع با طرف مقابل مذاکره کند. کشور امارات سعی نکند با گل آلود کردن آب، راه را برای استفاده دیگران در منطقه هموار سازد.

مسئله حقوق بشر

اگرچه بررسی حقوق مدنی و اجتماعی افراد یک ملت اساساً یک اقدام حقوقی است ولی این کار می‌تواند خیلی آسان رنگ سیاسی به خود گیرد و به صورت یک مسئله مهم در سیاست خارجی یک کشور جلوه کند. به همین دلیل، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران همواره مورد اتهام امریکا و متحدان او و همچنین مجامع بین‌المللی در این زمینه قرار گرفته است.

ریاست مجلس شورای اسلامی در نطق قبل از دستور خود در تاریخ یازدهم شهریور ۷۱ اظهار داشت: «اجرای اصول امر به معروف و نهی از منکر در کشورمان به عنوان مبارزه با حقوق بشر تلقی می‌شود، یا برخورد با منافقین، که مرتکب جنایات زیادی شده‌اند، نقض حقوق بشر دانسته می‌شود، این در حالی است که نسبت به فجایعی که در برخی کشورها - مثل بوسنی و هرزگوین - به مردم می‌شود آنها ساکت هستند و آن را نقض حقوق بشر نمی‌دانند. وی در جایی دیگر می‌گوید: مایه تأسف است که حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، که برای اعدام یک قاچاقچی و یا قطع دست یک دزد، که براساس احکام اسلام اجرا می‌شود، به عنوان تجاوز به حقوق بشر اشک می‌ریزند و ایران اسلامی را مورد تهاجم و حمله قرار می‌دهند، همین طرفداران حقوق بشر نه تنها از این همه شکنجه مسلمانان به جرم بیدار شدنشان و به زندان کشیده شدنشان و اعدامشان به جرم قیام برای احقاق حقشان باکی ندارند، بلکه حمایت بی دریغ هم از این ناقضین واقعی حقوق بشر و این افراد دیکتاتور می‌کنند».

ریاست مجلس در رابطه با گزارش «گالیندوپل» می‌گوید: «ما همواره در صداقت مدعیان طرفداری از حقوق بشر تردید داشتیم ولی با گزارشات مغرضانه وی به سازمان ملل و برخورد سیاسی مدعیان طرفداری از حقوق بشر با ایران این شک و تردید ما تبدیل به یقین شد. گزارش وی تماماً سیاسی و یک حرکت سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی است، و به همین دلیل بود که ما فعالیت‌های امثال گالیندوپل و صلیب سرخ جهانی را در کشورمان معلق کردیم».

از نظر ریاست مجلس، یاس امریکا از تجدید رابطه با کشورمان، منشأ اتهام نقض حقوق بشر در ایران است.

در همین زمان که سازمان ملل - براساس گزارش نماینده خود - مصوبه‌ای در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، کمیسیون سیاست خارجی مجلس با انتشار بیانیه‌ای (۱۵ آذر ۷۱) این مصوبه را مغرضانه و بی ارزش خواند.

مجلس شورای اسلامی برای نظارت بیشتر جهت حسن اجرای ضوابط حقوق بشر در ایران در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۷۲ کمیته حقوق بشر را تأسیس کرد. دو روز بعد هیئتی از مجلس شورای اسلامی در سمپوزیوم اتحادیه بین‌المجالس پیرامون حقوق بشر - که به مدت چهار روز از ۲۹ اردیبهشت لغایت اول خرداد ۷۲ در پایتخت مجارستان برگزار شد - شرکت کرد. محور بحث در این اجلاس، تقویت پارلمان به عنوان یک نهاد مهم حامی حقوق بشر در کشورها بود. کلیه سخنرانان مراسم افتتاحیه، تشکیل کمیته حقوق بشر در پارلمان‌ها را یک اقدام اساسی دانسته، و بر تقویت پارلمان در کشورها جهت دادن اختیارات لازم برای دفاع از حقوق بشر اتباع کشورها تأکید کردند.

به هنگام طرح اتهاماتی از سوی پارلمان انگلیس مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، و پیشنهاد اعمال فشار و محدودیت بر ایران (اواخر سال ۱۳۷۳) ریاست مجلس در واکنشی یادآور شد: «واقعاً چه قدر رسوایی است که پارلمان کشوری مثل انگلیس این مسئله را مطرح می‌کند، اینها هنوز خیال می‌کنند که همان بریتانیای کبیر هستند، توسعه اسلام خواهی در جهان، حتی در انگلیس، آنها را به وحشت انداخته است، لذا اقدام به طرح چنین مسائلی می‌کنند».

حکم قتل سلمان رشدی

به دنبال توهین سلمان رشدی به عقاید اسلامی، حضرت امام (ره) فرمان قتل وی را صادر کردند. این حکم که به عنوان یک رهبر و عالم مذهبی صادر شده بود فوراً موجب تیرگی روابط کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی ایران شد و تا آنجا گسترش پیدا کرد که این کشورها برای مدتی سفارتخانه‌های خود را در تهران تعطیل کردند. با وجود این، جمهوری اسلامی ایران از آن زمان تاکنون بر اجرای آن حکم اصرار ورزیده است، اگرچه گهگاه برخی در مورد این حکم تأویل‌هایی روا داشته‌اند و زمزمه‌هایی به گوش رسیده است. ریاست مجلس در نطق قبل از دستور خود (بیست و هفتم بهمن ماه ۷۱) با بیان این نکته که حکم اعدام سلمان رشدی مرتد همچنان به قوت خود باقی است و هیچ فشار سیاسی نمی‌تواند این حکم را تغییر بدهد، اظهار می‌دارد: تنها اعدام وی می‌تواند صورت مسئله را پاک کند.

ریاست مجلس همچنین در دیدار با سفیر کانادا در کشورمان (۴ اسفند ۷۱)، بر غیر قابل بخشش بودن سلمان رشدی تأکید کرد.

دویست تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم با امضای نامه‌ای در دهم تیر ماه ۱۳۷۱ بر غیر قابل تغییر بودن حکم اعدام سلمان رشدی تأکید کردند. در اقدامی دیگر بیش از ۱۸۰ نماینده مجلس طی نامه‌ای در تاریخ ۲۹ بهمن ۷۱ بر اجرای فتوای حضرت امام (ره) اصرار ورزیدند.

بروز زمزمه‌های برقراری ارتباط با امریکا، موجب واکنش‌هایی از سوی مسئولان بلند پایه کشورمان شد. بدون شک، بیشترین اظهار مخالفت با برقراری رابطه با امریکا و حضور این کشور در منطقه، پس از مقام معظم رهبری، از تریبون مجلس شورای اسلامی به گوش رسیده است. با وجود این، نمی‌توان تلاش مجلس شورای اسلامی در این زمینه را کامل دانست؛ مجلس شورای اسلامی می‌توانست حداقل در زمینه اقتصادی، با وضع قوانین مناسب و نظارت مؤثر بر اجرای آن، از ورود بسیاری از کالاهای امریکایی به کشور جلوگیری کند، اقدامی که به لحاظ سیاسی معنا و مفهوم خاصی داشت، ولی مجلس شورای اسلامی در این زمینه کار قابل توجهی نکرد. در این قسمت به نقل نظرات ریاست مجلس شورای اسلامی پیرامون رابطه با امریکا و پیامدهای حضور نظامی این کشور در منطقه اکتفا می‌شود.

ریاست مجلس در دیدار با اعضای ستاد مرکزی ۱۳ آبان در تاریخ دهم آبان ۷۱ اظهار داشت: «مبارزه با امریکای جهان‌نوار از ارکان اصلی سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی است. زیرا توطئه‌های امریکا در جنگ تحمیلی و تلاش این کشور در تهاجم فرهنگی به ایران نشانه دشمنی سخت امریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران است. و تا وقتی امریکا دارای خوی سلطه‌گری است، ارزش‌های انقلاب ما برقراری رابطه با امریکا را اقتضا نمی‌کند».

ریاست مجلس در چندین نوبت حضور نیروهای نظامی امریکا در منطقه را هم محکوم کرده است. وی در جریان سرنگونی دو فروند هلیکوپتر سازمان ملل توسط جنگنده‌های امریکایی در شمال عراق اظهار داشت: «این حادثه نشان می‌دهد که حضور نظامی امریکا در منطقه موجب نا امنی و خطرات برای همه کشورهای منطقه و حتی نیروهای چند ملیتی است؛ وقتی امریکایی‌ها هلیکوپترهای سازمان ملل را سرنگون می‌کنند چه تضمینی وجود خواهد داشت که، این اشتباه نسبت به هواپیماهای کشورهای همسایه تکرار نشود».

ریاست مجلس در دیدار خود با رئیس گروه دوستی پارلمانی ایتالیا و هیئت همراه (۲۴ آبان ۷۲) یادآور شد که حضور امریکا در خلیج فارس تهدیدی علیه صلح و آرامش منطقه است. وی این نکته را در دیدار خود با وزیر امور خارجه چین (۱۴ اسفند ۷۲) نیز تصریح کرد.

از نظر ریاست مجلس حضور گسترده نیروهای نظامی امریکا در منطقه (نیمه سال ۷۳) حرکت مشکوکی است که نمی‌تواند فقط برای مهار عراق باشد؛ وی این عمل را یک سناریوی جدید و طرح شیطنت بار جدیدی برای اعمال سلطه بر منطقه و خلیج فارس می‌داند. در همین رابطه، وی به کشورهای حاشیه خلیج فارس متذکر می‌شود که بهتر است این کشورها از این قشون‌کشی‌ها درس بگیرند و بفهمند که میلیاردها دلار پول دادن و سلاح تهیه کردن و آهن آلات را در این منطقه دپو کردن هیچ نقشی ندارد، امنیت منطقه با آمدن قلدراهایی مثل امریکا تأمین نمی‌شود، زیرا او که می‌آید تشنج و نا امنی بیشتر می‌شود، امنیت این منطقه فقط به دست افراد این منطقه است.

وی در تاریخ بیست و سوم بهمن ماه ۷۳ با اشاره به سخنان رئیس‌کنگره امریکا که اظهار داشته بود امریکا بایستی هم خود را صرف تغییر حکومت ایران بکند، این موضعگیری وی را ناشی از ناهمپی او قلمداد کرد. وی علت این اتخاذ موضع رئیس‌کنگره امریکا را ثبات نظام جمهوری اسلامی و گسترش اسلام خواهی در جهان می‌داند که موجب ناراحتی امریکایی‌ها شده است.

ریاست مجلس در واکنش به اقدامات امریکا مبنی بر ممنوعیت خرید نفت از ایران و جلوگیری از حضور شرکت‌های نفتی امریکایی در ایران اظهار می‌دارد: «بنا بر ادعای خود امریکایی‌ها نبض اقتصاد ایران در دست امریکایی‌ها (و هیچ کشور دیگری) نیست، خود آنها خوب می‌دانند که ما در طول هشت سال جنگ، توانستیم بدون رابطه با امریکا موفق و پیروز شویم».

مسئله فلسطین

قدس شریف همواره یکی از موضوعات مهم در سیاست خارجی کشورمان بوده است، به گونه‌ای که توجه گسترده به آن موجب شده است سیاست خارجی ما جهت‌گیری‌های خاصی - مخصوصاً در خود منطقه - داشته باشد. در اینجا مسئله فلسطین اشغالی در سه قسمت از دیدگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- اهمیت فلسطین از دیدگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ریاست مجلس شورای اسلامی در دیدار خود با دکتر «موسی ابومرزوق» - رهبر جنبش جهاد اسلامی حماس - اظهار داشت: ما حمایت از آرمان فلسطین را حمایت از اسلام می‌دانیم. وی در دیدار خود با وزیر امور خارجه عمان (۳ مهر ۷۲) از مسئله فلسطین برای ملت ایران، به عنوان یک مسئله آرمانی نام برد. آقای ناطق نوری همچنین در دیدار (۱۰ آذر ۷۲) با دکتر موسی ابومرزوق تأکید کرد که، جمهوری اسلامی ایران مصمم است تا به آرمان‌های خویش وفادار بماند.

۲- حمایت از جهاد اسلامی مردم فلسطین

ریاست مجلس شورای اسلامی در دیدار (۱۳ مرداد ۷۱) خود با اعضای جنبش جهاد اسلامی فلسطین اظهار داشت: «دفاع از جهاد اسلامی ملت فلسطین یکی از مهمترین ارزش‌های انقلاب اسلامی است». وی در دیدار با اعضای جنبش انقلابی حزب الله لبنان (۱۴ مهر ۷۱) نیز بر ادامه عملیات مقاومت اسلامی علیه رژیم اشغالگر قدس در جنوب لبنان تأکید کرد. همچنین آقای ناطق نوری در دیدار خود با رئیس مجلس ملی لبنان اظهار داشت: «دولت و مجلس ایران از هیچ گونه کمکی به لبنان در مقابل تهاجمات رژیم صهیونیستی کوتاهی نخواهد کرد».

ریاست مجلس طی پیامی برای چهارمین کنفرانس بین‌المللی پشتیبانی از انتفاضه اسلامی در فلسطین (۱۳۷۱)، انتفاضه را تجلی اراده ملت فلسطین اعلام کرد. وی چند روز پس از برگزاری این کنفرانس، طی حکمی در بیست و پنجم اسفند ۷۱ آقای تقوی - عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی - را به عنوان دبیر کل کنفرانس بین‌المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین منصوب کرد.

وی در سخنرانی مورخه دهم اسفند ۷۲ خود یادآور شد که، صهیونیست‌ها جز زبان گلوله را درک نخواهند کرد و راهی برای احقاق حقوق مردم فلسطین جز از طریق جهاد وجود ندارد.

۳- مذاکره با اسرائیل از سوی اعراب

از نظر ریاست مجلس شورای اسلامی مذاکرات صلح اعراب و اسرائیل هدفی جز سرگرم کردن مسلمانان ندارد. ریاست مجلس در نطق قبل از دستور (بیست و هشتم شهریور ماه ۷۲) از امضای قرارداد میان ساف و اسرائیل - که حاصل چندین دور مذاکره بود - شدیداً انتقاد می‌کند؛ ریاست مجلس در دیدار با دکتر فتاحی

شقاقتی (۱۳ مهر ۷۲) از گروه‌های مبارز فلسطینی خواست تا با کار فرهنگی و تبلیغی، ماهیت قرارداد ننگین ساف و اسرائیل را برای مردم روشن کنند.

بیش از ۱۹۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم با امضای بیانیه‌ای در ۲۸ شهریور ۷۲ طرح خائنانه‌ی سازش ساف با اسرائیل را شدیداً محکوم کردند.

در نود و یکمین اجلاس اتحادیه بین‌المجالس، اتحادیه پارلمان‌های عربی به پیشنهاد سوریه درخواست کردند تا مسئله روند مذاکرات صلح ساف - اسرائیل، به عنوان موضع اضطراری در دستور کار کنفرانس قرار گیرد؛ در اینجا هیئت اعزامی جمهوری اسلامی ایران در گفتگوهای اولیه با کشورهای عربی، مخصوصاً سوریه اعلام داشت که، اگر چنانچه حمایت از روند مذاکرات صلح ساف - اسرائیل بخواهد در این اجلاس مطرح شود، می‌تواند نوعی شناسایی رژیم صهیونیستی تلقی شود، لذا جمهوری اسلامی ایران با آن مخالف است. در نهایت این پیشنهاد کشورهای عربی به رأی گذاشته شد که حد نصاب لازم را به دست نیارود و رد شد.

به دنبال لغو تحریم‌های درجه دوم و سوم علیه اسرائیل از سوی کشورهای عربی، ریاست مجلس شورای اسلامی ضمن محکوم کردن این اقدام، از آنها می‌پرسد که مگر چه اتفاقی افتاده است که چنین تصمیم نابه‌جایی گرفته‌اید، و مگر اسرائیل امتیازی به شما داده است؟

وی در مورد نتایج صلح خاورمیانه اظهار می‌دارد: «این مذاکرات برای کشورهای اسلامی و مردم فلسطین هیچ دستاورد مثبتی نداشته است، ولی در عوض به تثبیت و مشروعیت بخشیدن به اسرائیل کمک کرده است، میدان توطئه و جنایت را برای آنها باز کرده و کشورهای عربی را یکی پس از دیگری به ایجاد روابط ذلت‌بار با صهیونیست‌ها وادار کرده، در حالی که حتی یک وجب خاک مسلمان‌ها و کشورهای اسلامی به آنها برنگشته است.»

مسئله بوسنی و هرزگوین

حوادث اتفاق افتاده در کشور بوسنی و هرزگوین، که مدت آن تقریباً برابر عمر مجلس چهارم بود، مورد توجه ویژه مسئولان عالی رتبه کشور و اداره کنندگان سیاست خارجی کشورمان بوده است. رئیس مجلس شورای اسلامی در نطق قبل از دستور خود در یازدهم شهریور ۷۱ با اشاره به تبعیضی که نسبت به مسلمانان بوسنی شده است می‌گوید: «در یوگسلاوی سابق، ملت‌ها و گروه‌های دیگر در حال به دست آوردن استقلال خود هستند و هیچ برخوردی با آنها نمی‌شود، ولی وقتی مسلمانان دست به این اقدام عزت‌آور می‌زنند با آنها برخوردی می‌شود که، حاکی از آن است که آنها باید به جرم مسلمان بودنشان قربانی شوند». ریاست مجلس با اشاره به مظلومیت مسلمانان بوسنی و با توجه به نحوه برخوردی که کشورهای غیر اسلامی با مسائل جهان اسلام دارند، پیشنهاد می‌کند که کشورهای اسلامی باید کنفرانس بین‌المجالس کشورهای اسلامی را راه بیندازند که در یک چنین مواقعی لاقابل پارلمان‌های اسلامی حرکتی داشته باشند.

در هشتاد و هشتمین اجلاس اتحادیه بین‌المجالس - که از ۱۶ لغایت ۲۱ شهریور ۷۱ در پایتخت سوئد برگزار شد - هیئت جمهوری اسلامی ایران در مورد مسئله بوسنی و هرزگوین پیشنهادی ارائه کرد که این پیشنهاد بنا بر درخواست رئیس جلسه با پیشنهاد هیئت مصری در همین زمینه، تلفیق شد و به صورت یک ماده اضطراری تصویب و در دستور کار کنفرانس قرار گرفت. در این اجلاس قطعنامه‌ای در نه ماده راجع به

بوسنی و هرزگوین به تصویب رسید که جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی در تهیه آن داشت. گروه پارلمانی بین‌المجالس کشورمان چند روز قبل از عزیمت به سوئد برای شرکت در اجلاس هشتم و هشتم اتحادیه، با انتشار بیانیه‌ای از جامعه جهانی خواست برای متوقف ساختن کشتار کودکان بی سرپرست و شهروندان بی سلاح و بی پناه بوسنی هرزگوین با استفاده از امکانات نظامی و سیاسی اقدام اساسی به عمل آورند.

کمیسیون سیاست خارجی مجلس نیز در ۲۷ آبان ۷۱ از عملکرد شورای امنیت در مورد بوسنی انتقاد کرد.

۱۸۵ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز با انتشار بیانیه‌ای در ۱۶ آبان ۷۱ خواستار حمایت از کمک به مسلمانان بوسنی شدند.

ریاست مجلس در نطق قبل از دستور خود در تاریخ هفتم دی ماه ۷۲ یادآور می‌شود: «برای اروپا که خودش را این همه متمدن و طرفدار حقوق بشر می‌داند و برای انسانیت می‌خواهد ارج بنهد و ارزش قائل شود، این ننگ نیست که در اروپا یک ملتی فقط به جرم مسلمان بودن این طور قتل عام شود و اروپا این گونه از کنار قضایا بی تفاوت بگذرد و حتی حاضر نشوند اجازه بدهند که این تحریم تسلیحاتی برداشته شود».

آقای ناطق نوری در نطق دیگر خود در بیست و چهارم بهمن ۷۲ از موضعگیری درست وزیر امور خارجه کشورمان در اجلاس وزرای خارجه جنبش عدم تعهد در حمایت از مردم بوسنی تقدیر و تشکر کرد.

رئیس مجلس شورای اسلامی محاصره شهر گورازده و در آستانه سقوط قرار گرفتن آن را، سندی دیگر بر دروغ‌گویی و فریبکاری سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های جهانی قلمداد کرد. وی عدم تحرک به موقع و جدی شورای امنیت در این زمینه را نشان از توافقات پشت پرده اعضای دائم شورای امنیت و مقامات ناتو اعلام کرد که، هدف آنها جلوگیری از استقرار یک کشور اسلامی در قاره اروپا و استهاله آن به صورت یک فدراسیون یا کنفدراسیون است. آقای ناطق نوری از سازمان ملل می‌پرسد چرا با تحریم تسلیحاتی مسلمانان عملاً آنها را خلع سلاح کرده و در برابر صرب‌های متجاوز بی دفاع گذاشته است؟ چرا به درخواست مکرر جمهوری اسلامی و سایر کشورهای اسلامی و حتی سازمان کنفرانس اسلامی برای رفع تحریم تسلیحاتی بوسنی همواره جواب رد داده شده است؟

به دنبال سقوط شهر گورازده، ریاست مجلس در نطق قبل از دستور خود سقوط این شهر را به معنای سقوط اعتبار سازمان ملل و شورای امنیت در سطح جهان دانست که در نتیجه آن می‌توان فهمید که سازمان ملل دیگر قابل اعتماد نیست و این سازمان عاجز تر از همیشه در انجام وظایف خود می‌باشد و سازمان ملل دیگر نمی‌تواند عاملی برای صلح و ثبات در سطح جهان معرفی شود.

هیئت پارلمانی جمهوری اسلامی ایران هم در نودمین اجلاس بین‌المجالس - که از ۱۹ لغایت ۲۷ شهریور ۷۲ در پایتخت استرالیا برگزار شد - پیشنهادی تحت عنوان جلوگیری از ادامه نسل‌کشی در بوسنی و هرزگوین به کنفرانس ارائه داد که، این پیشنهاد مطرح و مورد حمایت قرار گرفت.

نایب رئیس مجلس در دیدار خود با کاردار انگلیس (اول اسفند ۷۲) بی‌تفاوتی قدرت‌های غربی در برابر فاجعه بوسنی و هرزگوین را موجب بروز شکاف بین جهان اسلام و مسیحیت اعلام کرد. وی در دیدار خود با سفیر فرانسه در تهران (۲۳ اردیبهشت ۷۳) نیز یادآور شد که مصوبه شورای امنیت در مورد تحریم

تسلیحاتی بوسنی یک تخلف آشکار است.

ریاست مجلس در دیدار با معاون نخست وزیر بوسنی و هرزگوین اظهار داشت: «مسئله بوسنی برای مردم ما به صورت یک مسئله جدی و اصلی درآمده است و اگر سازمان ملل اجازه دهد جوانان ما با همان شور و اشتیاق که در جنگ عراق علیه ایران داشتند، آمادگی لازم برای اعزام به این جمهوری جهت مقابله با صرب‌ها را دارند».

رئیس مجلس در ۶ اردیبهشت ۷۳ پیامی خطاب به رؤسای مجالس قانونگذاری کشورهای اسلامی در مورد لغو تحریم تسلیحاتی بوسنی و هرزگوین ارسال داشت.

پس از برگزاری اجلاس سران هفت کشور بزرگ صنعتی در ناپل ایتالیا، بیانیه‌ای صادر شد که در بخشی از آن به مسئله بوسنی و هرزگوین اشاره شده است - ریاست مجلس با توضیح این نکته که آنچه در این بیانیه (بند دوم) راجع به بوسنی آمده است اظهار داشت: «در واقع این بیانیه جایزه‌ای به متجاوز است، زیرا به موجب آن تقسیم کشور بوسنی پذیرفته شده است و بخش بزرگی از این کشور به عنوان سهم متجاوز قلمداد شده است، از طرف دیگر مسلمانان بوسنی را تهدید کرده‌اند که چنانچه تا ۱۹ جولای طرح ژنو را نپذیرند به ریسک خطرناکی دست زده‌اند و باید منتظر جنگ وسیعی در بوسنی باشند؛ علت طرح مسئله به این صورت هم آن است که اروپاییان می‌خواهند مسلمانان این قاره دارای قدرت سیاسی نباشند و آنان همواره شهروند درجه دوم یا درجه چندم محسوب شوند؛ در هر حال ماجرای بوسنی یک آزمایش بزرگ قرن برای همه کشورهای مدعی حقوق بشر، مدعی مساوات و مدعی مبارزه با تبعیض بود، که متأسفانه غرب نتوانست در این آزمایش موفق شود و ناچار شد ماهیت باطنی و اهداف پلید پشت پرده‌اش را آشکار کند».

با توجه به ناتوانی کشورهای غربی و سازمان ملل در دفاع و حفاظت از مردم بوسنی، ریاست مجلس پیشنهاد می‌کند که کشورهای اسلامی بایستی به طور جدی سازمان ملل و شورای امنیت را تحت فشار قرار بدهند. وی از حضور بی‌خاصیت ۴۰۰۰ نیروی محافظ صلح سازمان ملل در بوسنی انتقاد کرده و اظهار داشت: «ما - و کشورهای اسلامی - از اول اعلام کردیم که ۱۰۰۰۰ نیروی حافظ صلح حاضریم برای این کار بدهیم، ولی سازمان ملل - و کشورهای غربی - مخالفت می‌کنند».

ریاست مجلس حمایت روسیه از صرب‌ها را یک حرکت نابخردانه اعلام کرده و آن را یک اشتباه بزرگ و یک فضاحت سیاسی و بین‌المللی دانست که روسیه به بار آورده است. وی می‌افزاید: «روسیه با این کار روابط خودش با جهان اسلام را به هم می‌زند، زیرا این نوع حرکت‌ها سبب می‌شود که مسلمانان جهان و کشورهای اسلامی روی این نوع تصمیم‌گیری‌ها و روی روابطشان با روسیه تأمل کنند و این به ضرر روسیه تمام می‌شود».

آقای ناطق نوری در دیدار خود با نخست وزیر کرواسی (۷ آبان ۷۳) اظهار داشت: «تجربه نشان داده است که هرگاه صرب‌ها از جانب مسلمانان فراغت یافته‌اند به سراغ کروات‌ها رفته‌اند، لذا ما همواره خواهان همکاری و هماهنگی کروات‌ها و مسلمانان بوده‌ایم و عامل جلوگیری از سلطه‌جویی صرب‌ها را در همین عنصر می‌دانیم».

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی هم در دیدار (۲۷ شهریور ۷۳) با معاون وزیر امور خارجه اسلواک و وضع کنونی بالکان و جنایات صرب‌ها در بوسنی را اسف‌بارترین کارنامه اروپا در پایان قرن بیستم ذکر کرد.

به دنبال حمله نظامی دولت ارمنستان به قسمتی از خاک آذربایجان، حساسیت‌هایی در داخل کشور - مخصوصاً به وسیله هموطنان آذری - برانگیخته شده که بدون شک دارای آثار محسوسی بر سیاستگذاری سیاست خارجی کشور بود. افزون بر آن، چون این تجاوز در نزدیکی مرزهای کشور ما - آن هم به یک کشور اسلامی - صورت می‌گرفت، بر اهمیت موضوع می‌افزود. ریاست مجلس در نطق قبل از دستور خود (هیجدهم فروردین ۷۲) با بیان این نکته که حملات نظامی دولت ارمنستان به منطقه قره باغ موجب نگرانی کشورهای منطقه و مسلمانان شده است، حل مسائل مرزی از طریق توسل به تهاجم نظامی را مردود دانست. وی یادآور شد: «دولت ارمنستان باید شرایط جغرافیایی و منطقه‌ای را در نظر گیرد؛ منافع درازمدت دولت ارمنستان این تقاضا را دارد که با حسن همجواری و احترام به کشورهای همسایه و افکار عمومی این کشورها به منافع بلند مدت خود بیندیشد؛ جمهوری اسلامی ایران نیز راه حل این مسئله را در مذاکرات سیاسی و به صورتی عادلانه می‌داند».

در همین ایام (۲۵ فروردین ۷۲) بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با قرائت نامه‌ای خواستار خروج نیروهای ارمنستان از خاک جمهوری آذربایجان شدند.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار (۱۱ بهمن ۷۲) خود با هیئت پارلمانی جمهوری آذربایجان اظهار داشت: «ما اعتقاد داریم مشکلات منطقه قره باغ و روابط ارمنستان و آذربایجان باید از طریق مذاکره و به صورت عادلانه و مسالمت آمیز حل گردد». رئیس مجلس آذربایجان نیز در آذر ۷۲ سفری به ایران داشت و با همتای ایرانی خود مذاکراتی به عمل آورد.

به دنبال سقوط یک فروند هواپیمای جمهوری اسلامی ایران در خاک ارمنستان، بیش از ۱۵۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با امضای نامه‌ای (۱۶ فروردین ۷۳) خواستار پاسخگویی صریح دولت ارمنستان در این خصوص شدند.

فعالیت کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی

مهمترین رکن هر پارلمان در بررسی مسائل سیاست خارجی و تهیه و تدوین قوانین مناسب در این زمینه جهت تصویب، کمیسیون سیاست خارجی است.

کمیسیون سیاست خارجی مجلس در سال اول دوره چهارم اقدام به برگزاری ۶۲ جلسه شامل ۱۷۲ ساعت کار، سال دوم ۵۶ جلسه شامل ۱۴۷ ساعت کار، و سال سوم ۵۳ جلسه شامل ۱۵۳ ساعت کار کرده است. کمیسیون در طول این مدت به بررسی لوایح و طرح‌هایی در زمینه حمل و نقل بین‌المللی، امور فرهنگی و علمی و آموزشی، کنوانسیون‌های مربوط به تسهیل ترافیک دریایی، تجسس و نجات دریایی، ایمنی جان اشخاص در دریاها، سازمان جهانی مالکیت، کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد و چند موضع دیگر - که بایستی بعداً برای تصویب پیشنهاد شوند - اقدام کرده است. لوایحی که در این میان از برجستگی بیشتری برخوردار هستند و با کار کمیسیون سختی بیشتری دارند، موافقتنامه‌هایی مانند موافقتنامه ترجیحات تجاری میان کشورهای اسلامی، موافقتنامه ارتقا، حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری فیما بین

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسرائیل و موافقتنامه همکاری در زمینه کاربردهای صلح‌جویانه از انرژی هسته‌ای بین ایران و روسیه هستند. به نظر می‌رسد، کمیسیون سیاست خارجی مجلس از نظر کمی، وقت لازم را صرف رسیدگی و ارائه پیشنهادها مناسب در حوزه کار خود نکرده است، تعداد جلسات و ساعات کار این کمیسیون در این سه سال در این زمینه گویاست. از نظر کیفیت کارها نیز از این کمیسیون انتظار می‌رفت که کار بیشتری عرضه کند، یعنی قوانینی برای تصویب پیشنهاد کند که به سیاست خارجی کشور تحرک فوق‌العاده‌ای ببخشد و سیاستگذاری خارجی کشور را در سطح جهان برجسته کند، مانند وضع قوانینی برای اعمال محدودیت تجاری در مورد کشورهایی که در منطقه روابط نزدیکی با اسرائیل برقرار کرده‌اند.

دیدارهای خارجی مجلس شورای اسلامی

دیدارهای خارجی در صورتی که از روی گزینش دقیق انجام شود، نشان‌دهنده مسیر سیاست خارجی کشور است و به عبارتی دیگر با این سفرها مشخص می‌شود که چه موضوعات یا چه کشورهایی در سیاست و روابط خارجی آن کشور از دید پارلمان در چه اولوی قرار دارند.

در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، علاوه بر عزیمت نماینده یا نمایندگانی از مجلس به کشورهای خارجی برای مقاصد مورد نظر، ریاست مجلس شورای اسلامی هم به چندین کشور از جمله اوکراین، آذربایجان، کویت، سودان، لهستان، کرواسی و یونان سفرهایی داشت. از کشورهای دیگر نیز در سال اول دوره چهارم، رئیس مجلس قرقیزستان، رئیس مجلس ملی پاکستان، رئیس هیئت پارلمانی استرالیا و رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس برزیل به ایران آمده و با رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کردند. در سال دوم همین دوره رؤسای مجالس کویت، ایرلند، بنگلادش، زیمبابوه، سودان، آذربایجان، قرقیزستان و قطر به ایران سفر کرده و با همتای ایرانی خود دیدار کرده‌اند. مجلس شورای اسلامی در این سال، میزبان گروه دوستی پارلمان ایتالیا و ایران و آذربایجان و ایران، رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس اوکراین، و یکی از اعضای هیئت رئیسه پارلمان آلمان بوده است. در سال سوم، مجلس شورای اسلامی میزبان رؤسای مجالس ترکمنستان، سریلانکا، قزاقستان، رومانی و نایب رئیس مجلس گرجستان و مجلس سوریه و گروه‌های دوستی و هیئت‌های پارلمانی از یمن، اردن و کره جنوبی بوده است. در همین سال، هیئت‌هایی از مجلس به استرالیا، سودان، بوسنی و هرزگوین، کوبا، کره جنوبی و رومانی سفر کرده‌اند. نایب رئیس مجلس هم سفری به هند داشته است.

منبع:

۱- کارنامه سال‌های اول، دوم و سوم از دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی